«و اى قوم من، زنهار تا مخالفت شما با من، شما را بدانجا نکشاند که [بلایى‌] مانند آنچه به قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح رسید، به شما [نیز] برسد، و قوم لوط از شما چندان دور نیست.» (89) «و از پروردگار خود آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید که پروردگار من مهربان و دوستدار [بندگان‌] است.» (90) گفتند: «اى شعیب! بسیارى از آنچه را که مى‌گویى نمى‌فهمیم، و واقعاً تو را در میان خود ضعیف مى‌بینیم، و اگر عشیره تو نبود قطعاً سنگسارت مى‌کردیم، و تو بر ما پیروز نیستى!» (91) گفت: «اى قوم من، آیا عشیره من پیشِ شما از خدا عزیزتر است که او را پشت سر خود گرفته‌اید [و فراموشش کرده‌اید]؟ در حقیقت، پروردگار من به آنچه انجام مى‌دهید احاطه دارد.» (92) «و اى قوم من، شما بر حسب امکانات خود عمل کنید، من [نیز] عمل مى‌کنم. به زودى خواهید دانست که عذاب رسواکننده بر چه کسى فرود مى‌آید و دروغگو کیست؛ و انتظار برید که من [هم‌] با شما منتظرم.» (93) و چون فرمان ما آمد، شعیب و کسانى را که با او ایمان آورده بودند، به رحمتى از جانب خویش نجات دادیم، و کسانى را که ستم کرده بودند، فریاد [مرگبار] فرو گرفت، و در خانه‌هایشان از پا درآمدند. (94) گویى در آن [خانه‌ها] هرگز اقامت نداشته‌اند. هان، مرگ بر [مردم‌] مَدْیَن، همان گونه که ثمود هلاک شدند. (95) و به راستى، موسى را با آیات خود و حجّتى آشکار، (96) به سوى فرعون و سران [قوم‌] وى فرستادیم، ولى [سران‌] از فرمان فرعون پیروى کردند، و فرمان فرعون صواب نبود. (97)